

"بسمه تعالی"

نقش مسجد در تعالی فردی از نگاه قرآن و سنت

م. رضایی

چکیده

تعالی هر انسان اوج رفعت، بزرگی، والایی و کمال اوست که مطابق قرآن کریم و سنت معصومان (علیهم السلام) با نهل به این جایگاه‌ها محقق می‌گردد: برخورداری از هویت دینی، طهارت نفس، رشد علم‌ی، کارآمدی، جانشینی خدا، زندگی پاک، اعمال پربار و در نهایت تقرب به خدا. عوامل بسیاری در ارتقای فرد دخیل‌اند که بارزترینشان ایمان به خدا و پرسش اوست که باعث می‌شود از عیوب و پلیدی‌ها پاک شویم و در محیطی پاک، امن و آرام قرار بگیریم. مسجد قداست و حرمت والایی دارد و انسان با حضور در آن، پرداختن به اعمال عبادی فردی و جمعی و رعایت پاکتی و حرمت خود و جامعه را به عظمت می‌رساند.

کلید واژگان: مسجد، تعالی انسان، قرآن کریم، عبادت خدا.

مقدمه

گرایش به کمال و بزرگی در انسان فطری و نهفته در خمیرمایه‌ی آفرینش اوست؛ زیرا خداوند از روح خود در انسان دمیده است^۱ و او را بر سایر آفریده‌ها برتری بخشیده است.^۲ بنابراین، هر انسانی بسته به اندیشه، میزان خردورزی و فرهنگ خود در راه رسیدن به کمال سعی می‌کند. این گرایش باید در مسیری صحیح قرار گیرد تا انسان مسیر سقوط را به جای صعود، خواری را به جای عزت و پستی را به جای رفعت در پی نگیرد. زیرا، بسیاری کسانی که بزرگی را در مادیات می‌بینند و با دل‌بستگی به آن گام در راه گردنکشی و طغیان می‌نهند.

^۱. سوره‌ی حجر، آیه‌ی ۲۹

^۲. سوره‌ی اسراء، آیه‌ی ۷۰

مفهوم مسجد

مسجد اسم مکان سجده است، یعنی سجده گاه، به خاک افتادن و خواری کردن^۱ برای خداست و هیچ کس شایسته ی سجده ی دیگران نیست.^۲ حقیقت سجده فروتری و تسلیم در برابر خداست؛ پس بنده در مسجد به نهایت فروتری و تسلیم می رسد.^۳ مسجد خانه ی نماز است.^۴ برخی لغویان محراب خانه ها و مسجدها را مصلا ی عمومی و برخی نیز «مسجد و مسجد» را در مقایسه با «مَنْزِل و مَنْزَل»، به ترتیب، اسم مکان و مصدر می دانند.^۵ برخی نیز مسجد را پیشانی انسان می دانند که اثر سجده بر آن نقش می بندد. طبق این تعریف مسجد عضوی از بدن است و به همین دلیل است که در تفسیر آیه ی «وَإِنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ...»^۶ مساجد را قسمت هایی از بدن پیلن کرده اند که هنگام سجده بر زمین می آیند، یعنی کف دو دست، زانو ها، سر انگشتان پاها و پیشانی.^۷ مسجد به هر دو معنا، مانند خود سجده، و یژه ی خداست.^۸ به همین دلیل، نباید کسی جز او در مسجد پرستش شود و مورد فروتری، تسلیم و اظهار خواری قرار گیرد.^۹

عملکرد مسجد در تعالی انسان

۱- بخشیدن هویت دینی

هویت از ریشه ی «هو» یعنی «اوبودن» است و نشانگر صفات خاصه ی هر فرد است. هویت انواع دارد: شخصی، ملی، دینی و... . هویت دینی هر فرد پاسخ به این پرسش های فطری سه گانه است: از کجا آمده ام، برای چه آمده ام و به کجا می روم؟ اگر پاسخ ها صحیح و کامل باشند، هویت او واقعی خواهد بود. انسان مسلمان واقعی کامل ترین و صحیح ترین پاسخ ها را از مکتب اسلام یافته است و هویت دینی خود را در اعتقاد و رفتار براساس آن پاسخ ها شکل

۱. مجمع البحرین، ج ۳، ص ۶۳.

۲. سوره ی فصلت، آیه ی ۳۷ و سوره ی نحل، آیه ی ۴۹

۳. مجمع البحرین، ج ۳، ص ۵۵.

۴. همان.

۵. لسان العرب، ج ۶، ص ۱۷۵.

۶. سوره ی جن، آیه ی ۱۸

۷. مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۶۰.

۸. سوره ی بقره، آیه ی ۱۱۴ و سوره ی توبه، آیه ی ۱۷ و سوره ی جن، آیه ی ۱۸ و ...

۹. سوره ی جن، آیه ی ۱۸

می‌دهد. مسلمان واقعی مبدأ و منتهای خود را خدای یگانه می‌داند: «...إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»^۱، ...ما از آن خدا هستیم و به سوی او باز می‌گردیم. مسلمان واقعی هدف آفرینش خود را عبادت خدا^۲ و انجام کارهای درست و شایسته می‌داند.^۳

مجموعه‌ی این اعتقادات و اعمال راستی و درستی فرد را نشان می‌دهد که از آن به عدالت تعبیر می‌شود. عدالت نمادهایی دارد که هویت فرد عادل با این نمادها در نظر مردم ثابت می‌شود، مانند حسن ظاهر، صلاح، عبادت و مسجدی بودن نمادی از عدالت مسلمان است؛ به هم‌پن‌دلیل خداوند کسری را که به مسجد نمی‌رود از عدالت ساقط می‌کند. امام صادق (علیه‌السلام) فرموده‌اند:

«مساجد نزد خدا از هم‌سا یگان بی‌وفا شکایت کردند، خداوند به آن‌ها وحی کرد: سوگند به توانمندی و شکوهم که حتی یک نماز را هم از آنان نمی‌پذیرم و عدالتی را بر ایشان نزد مردم آشکار نمی‌کنم، رحمت به آنان نمی‌رسد و در بهشت در هم‌سایگی‌ام قرار نمی‌گیرند».^۴

پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و امیرمؤمنان علی (علیه‌السلام) چنین کسانی را از معاشرت و تعامل با مسلمانان و استفاده از حقوق دیگر مسلمانان منع کرده‌اند و خانه‌هایشان را شایسته‌ی سوزاندن دانسته‌اند.^۵ بدون شک، چنین رفتاری را باید با فاسقان کرد و فسق انسان را از عدالت ساقط می‌کند. بنابراین، فرد تارک مسجد بی‌هویت و فاقد ارزش اجتماعی است و سرانجامش محرومیت از رحمت ابدی خداست.

۲- پاکی نفس

نفس انسان هم به بدی‌ها و نیکی‌ها گرایش دارد، هم به گفله و پرهیزکاری. انسان با تضعیف و سرکوب گرایش به بدی‌ها و تقویت خوبی‌ها به پاکی رشد و بالندگی می‌رسد و موفقیت خود را در زندگی رقم می‌زند. قرآن کریم

^۱. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۵۶

^۲. سوره‌ی زاریات، آیه‌ی ۵۶

^۳. سوره‌ی نحل، آیه‌ی ۹۷

^۴. وسایل الشیعه، ج ۲، ص ۴۷۹.

^۵. همان، ص ۴۷۹ و ۴۷۸.

می‌فرماید: «وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا»^۱، سوگند به نفس آدمی که چگونه او را ساخت و گناه و تقوایش را به او الهام کرد؛ کسی رستگار شده که آن را تزکیه و پاک کند. عوامل بسیاری در روند تحقق این موفقیت نقش دارند که مسجد مهم ترین عامل است. کسانی که خواهان تپه یر و تزکیه‌اند و اراده‌ای نیرومند دارند به مسجدی رو می‌آورند که بلهدف سازندگی انسان‌ها بنا شده است. قرآن کریم می‌فرماید:

«لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لِمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ»^۲، مسجدی که از روز نخست براساس تقوا باشد شایسته‌تر است که در آن نماز به پا داری چه در آن مردانی‌اند که دوست دارند پاک گردند و خداوند پاکان را دوست دارد».

جوانب تأثیرگذاری مسجد از طریق رفتن به آن، خدمت به آن و برنامه‌های فرهنگی است:

الف- اجر رفتن به مسجد و تردد در آن

به فرموده‌ی پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، کسی که آهنگ رفتن به مسجد می‌کند با هر گامی ده گناه از او پاک می‌شود.^۳ امیرمؤمنان علی (علیه‌السلام) نیز فرموده‌اند، با تردد در مسجد، انسان گناه را از سر ترس یا شرم از خدا و می‌نهد.^۴ علت این تأثیر را باید در معرفت شخص عازم مسجد به صاحب این خانه و به خود یافت. وی با رسیدن به درب مسجد آگاه است که در محضر صاحب خانه ای بزرگ قرار گرفته است و اینجاست که ابه ت خالق سراسر وجودش را فرا می‌گیرد، رنگ چهره‌اش دگرگون می‌شود، بدنش به لرزه می‌افتد و زبان به ستایش و نکوهش خود می‌گشاید:

«يَا مُحْسِنُ قَدْ أَتَاكَ الْمُسِيءُ وَقَدْ أَمَرْتُ الْمُحْسِنَ أَنْ يَتَجَاوَزَ عَنِ الْمُسِيءِ وَأَنْتَ الْمُحْسِنُ وَأَنَا الْمُسِيءُ فَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَجَاوَزَ عَنْ قَبِيحٍ مَا تَعْلَمُ مِنِّي»^۵، ای بزرگوار، گنهکار نزدت آمد. بزرگوار را فرمان داده‌ای تا از خطای کار در گذرد؛ پس از زشتی‌ها و بدی‌هایی که از من می‌دانی با صفات زیبایت در گذر.

۱. سوره‌ی شمس، آیه‌ی ۷-۹

۲. سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۱۰۸

۳. وسائل الشریعه، ج ۲، ص ۴۸۳.

۴. همان، ص ۴۸۰.

۵. بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۳۷۵.

این فرهنگ رفتاری پیشوایان معصوم (صلی الله علیه و آله) ماست که ترک اولی یا اشتغال‌های ضروری دنیا را بر خود روا نمی‌داشتند.^۱

ب- خدمت به مسجد

رسیدگی به امور بهداشتی و رفاه‌ی مسجد یکی از فرمان‌های خداوند به پیامبران بزرگ است تا محیطی عاری از آلودگی‌های مادی و پاکیزه، برای پذیرایی از مهمانانش، فراهم شود. قرآن کریم می‌فرماید: «...وَعَهْدُنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ»^۲، ...به ابراهیم و اسماعیل سفارش کردیم که خانه‌ام را برای طواف کنندگان، عاکفان و رکوع کنندگان سجده گزار پاک سازید.

در همین راستاست که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمه (علیهم السلام) دستورهای بهداشتی بسیاری درخصوص مسجد میلن کرده‌اند و وعده‌ی آمرزش بپاکیزه کنندگان آن داده‌اند. پلمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرموده‌اند: «هرکس مسجد را روز پنجشنبه شب جمعه جاروب زند و خاکر و به‌ای را که چشم را می‌آزارد از آن بیرون ریزد، خداوند او را می‌آمرزد».^۳

ج- نشستن در مسجد

استراحت و آرامش روحی فرصت تفکر بیشتر درباره‌ی گذشته را به انسان می‌دهد. در مسجد، انسان با به یاد آوردن گناهانش خود را خجل و شرمسار در برابر صاحب خانه می‌نگرد؛ بنابراین برای توبه، طلب آمرزش و همت در انجام کارهای صالح انگیزه پیدا می‌کند. افزون‌براین، نشستن در مسجد به خودی خود موجب آمرزش گناهان می‌شود. در روایتی از پلمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) آمده است: «نشستن در مسجد... ده گناه را محو و نابود می‌سازد».^۴

^۱. منتهی الامال، ج ۱، ص ۲۶۷.

^۲. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۲۵.

^۳. وسائل الشعه، ج ۲، ص ۵۱۰.

^۴. وسایل الشیعه، ج ۳، ص ۸۶.

د- برنامه‌های فرهنگی مسجد

نماز: مهم‌ترین برنامه‌ی فرهنگی (عبادی) مسجد، چه فردی و چه جماعت، نماز است. نماز با دور کردن و بازداشتن انسان از گناهان بزرگ، کوچک و ناپسند باعث پاکئی نفس می‌گردد: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»^۱، که نماز از کار زشت و ناپسند باز می‌دارد. علاوه بر نماز، سخنرانی‌ها و درس‌های مذهبی نیز در بر دارنده‌ی مطالب خودسازی بسیاری هستند. امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در حدیثی هشت فایده برای تردد در مسجد یاد می‌کنند؛ از جمله‌ی آن‌ها سخنی است که انسان را از گناه باز می‌دارد یا گناه‌ی است که از سر ترس یا شرم از آن دست بردارد.^۲

اعتکاف: یکی دیگر از برنامه‌های عبادی اعتکاف است که ماندن دست‌کم سه شبانه‌روز در مسجد از ارکان آن است.^۳ در این عمل عبادی برخی از امور مباح هم جایز نیست، مانند بهره‌مندی جنسی از همسر، شعر گفتن، گفتگوها و مجادله‌های دنیوی، پرگویی، امرارمعاش و معاشرت‌هایی چون تشیع جنازه، عیادت بیمار و...^۴ با وجود این احکام، معتکف فرصت بسیاری می‌یابد برای تفکر در شناخت خدا، گذشته‌ی خویش و ... و در کنار روزه تمرین مؤثری در پاکسازی نفس می‌کند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرموده‌اند اعتکاف در صورتی که با ایمان و امید کامل به خدا صورت گیرد باعث آمرزش همه‌ی گناهان گذشته می‌شود.^۵

حج و عمره: از جمله مناسک حج و عمره زیارت کعبه (خانه‌ی خدا) است. کعبه وسط مسجدالحرام، مسجد جهانی مسلمان، قرار دارد. تأثیر حج در پیوایش روح از گناه و آلودگی‌ها و آرایش آن به آرامش و اخلاق زیبا در قرآن، سخنان پیشوایان معصوم (علیهم السلام)، حاجیان، معتمران و درعمل نیز ثابت شده است. حضرت ابراهیم (علیه السلام) پس از بنای کعبه‌ی مقدسه دست به دعا برداشته و از جمله درخواست‌هایشان این بود:

^۱. سوره‌ی عنکبوت، آیه‌ی ۴۵

^۲. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۸۰.

^۳. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۰۵.

^۴. همان.

^۵. جامع صغیر، ج ۲، ص ۵۷۵.

«أَتْلُ مَا أُوْحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ دُرِّيَّتِنَا أُمَّةٌ مُسْلِمَةٌ لَكَ وَآرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ»^۱، پروردگارا ما را تسلیم [فرمان] خود قرار ده و از نسل ما، امتی فرمانبردار خود [پدید آر] و آداب دینی ما را به ما نشان ده و بر ما ببخشای، که تویی توبه‌پذیر مهربان.

بیشک، دعای ابراهیم (علیه السلام) در حق مؤمنان راستین به هدف می‌رسد. رسول مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) نشانه‌ی قبولی حج را دست برداشتن از گناهان می‌داند. اصولاً، فلسفه‌ی حج و عمره طهارت روح، آراستگی اخلاق و پاکسازی نفس است که در آیات و احادیث بسیاری به آن اشاره شده است، مانند آیه‌ی ۱۹۹ سوره‌ی بقره و حدیث امام علی (علیه السلام) که ضمن بیان ابعاد فیهی و اجتماعی حج درباره‌ی تأثیر آن در تهذیب نفس فرموده‌اند:

«فَلِمَ أُمِرَ بِالْحَجِّ قِيلَ لِعَلِّهِ الْوَفَادَةُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَطَلَبُ الزِّيَادَةِ وَالْخُرُوجِ مِنْ كُلِّ مَا اقْتَرَفَ الْعَبْدُ تَائِباً مِمَّا مَضَى مُسْتَأْنِفاً لِمَا يَسْتَقْبِلُ...»^۲، بدون شک به این دلیل به حج فرمان داده شدند تا نزد خداوند و فروزی [نعمت] از او خواهند و بنده از هر گناهی که کرده رها شود و از گناهان گذشته دست بردارد و [اعمال خود را] از نو آغاز کند...^۲.

۳- رشد علمی

دانش نخستین نعمتی است که آدم، پس از آفرینش، به آن مفتخر شد و برای آن شایسته‌ی سجده‌ی فرشتگان گشت.^۳ میزان رشد و بالندگی انسان ارتباط مستقیم با میزان دانش‌آموزی و دانش‌پژوهی او دارد. پیام انبیاء، در کنار تزکیه‌ی نفوس، آموزش کتاب الهی و حکمت بوده است.^۴ هرچه امتی دانش و عقلانیت بیشتری داشته باشد، مقامش نزد خداوند فروتر می‌شود. قرآن کریم تصریح می‌فرماید که مقام مؤمنان دانشمند بسی بالاتر از سایر اهل ایمان است: «... يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ»^۵، تا خدا (رتبه‌ی) کسانی از شما را که گرویده و کسانی را که دانشمندند (بر حسب) درجات بلند گرداند و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است. در

^۱. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۲۸

^۲. علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۷۳.

^۳. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۳۱ - ۳۵

^۴. سوره‌ی جمعه، آیه‌ی ۲

^۵. سوره‌ی مجادله، آیه‌ی ۱۱

صدر اسلام، مساجد تنها مراکز آموزشی مسلمانان بودند و در آن‌ها به‌طور عمده به آموزش و نگارش قرآن کریم و بیانات پلمبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌پرداختند. نقش فرهنگی مسجد در صدر اسلام باعث شد تا به عاملی در تعالی علمی جوامع اسلامی در طی قرون متمادی و حتی تا زمان حال تبدیل شود.

۴- کارآمدی بزرگسالان

کارآمدی، فعالیت، نشاط و احساس مفیدبودن یکی از نشانه‌های سلامتی روانی و بالندگی انسان از دیدگاه عقلاست. جوانان به‌دلیل قدرت، توانمندی، فرصت‌کار و سازندگی کارآمدی بیشتری دارند؛ اما این فرصت برای پیران و ازکارافتادگان از دست رفته است. بنابراین، برای شادابی سالخوردگان جایگزینی لازم است و مسجد برترین نقش را در این رابطه ایفا می‌کند. براساس فرمایش رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) تردد پیران به مسجد فرصتی برای جامعه‌ی منحرف و تباه فراهم می‌کند تا اصلاح شود. ایشان فرموده‌اند:

«هرگاه همه‌ی مردم دست به گناهان بزرگ و کوچک زنند، خداوند اراده می‌کند که همه‌ی مردم زمین را کیفر کند تا یک تن هم نماند. اما وقتی به پیوانی می‌نگرد که به‌سوی مساجد قدم می‌زنند و کودکان را که قرآن می‌آموزند بر آنان مهر می‌ورزد و کیفر را به تأخیر می‌اندازد»^۱.

بمواستی اگر این سخنان گهربار در جامعه تبلیغ شود، بیماری‌های روحی چون افسردگی درمان می‌شود. البته، بالاترین کارآمدی متصور برای انسان جانشینی خداست.

۵- جانشینی خدا بر زمین

خداوند انسان را با هدف جانشینی خود بر زمین آفرید: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً»^۲. بدیهی است چنین مسئولیت خطیری را فقط آن دسته از انسان‌ها می‌توانند بر دوش کشند که تسلیم امر خداوند باشند و جز او را نپرستند. پیامبران خدا ابراهیم خلیل (علیه‌السلام) و اسماعیل ذبیح (علیه‌السلام)، پس از بنای نخستین مسجد (خانه‌ی خدا)، دست به دعا برداشته:

^۱. وسائل الشریعه، ص ۴۸۱.

^۲. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۳۰.

«وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ رَبِّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَارِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ»^۱، پروردگارا ما را تسلیم [فرمان] خود قرار ده و از نسل ما، امتی فرمانبردار خود [پدید آر] و آداب دینی ما را به ما نشان ده و بر ما ببخشای که تویی توبه‌پذیر مهربان.

پس از آن، ابراهیم (علیه السلام) مژده‌ی امامت را دریافت کرد: «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا»^۲، من تو را پیشوا و رهبر مردم قرار دادم. ابراهیم این مقام را برای دودمان خود درخواست کرد و پاسخ شنید: «لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ»^۳، پیمانم به ستمگران (مشرکان و کافران) نمی‌رسد.

۶- زندگی پاک و خوش

جلوه‌ی علمی و خارجی کمال انسان در زندگی پاک نمودار می‌شود. از منظر قرآن، این زندگی درواقع نوع جدیدی از حیات است که با دو رکن ایمان و کردار درست می‌توان به آن دست یافت. قرآن کریم می‌فرماید:

«مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْشَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»^۴، هر یک از شما مرد باشد یا زن، اگر در حال ایمان کار درست انجام دهد به یقین به زندگی پاک و خوشی زنده‌اش خواهیم کرد و بدون تردید پاداش آنان را بهتر از آنچه می‌کردند خواهیم داد.

مسجد بزرگ‌ترین نقش را در تقویت ایمان و انجام برترین اعمال صالح ایفا می‌کند. سرآغاز دم‌یده‌شدن روح حیات تازه در زندگی انسان مسجد است. طهارتی که از عبادت، معرفت و دانش‌آموزی در مسجد حاصل می‌شود همان روح تازه و زندگی پاک‌ی است که به انسان دانش، شناسایی حق از باطل، تسلط بر هوای نفس و خوار کردن شیطان می‌بخشد. چنین انسانی به خدا دل بسته است و فقط در اندیشه‌ی دیدار اوست. انسان مسجدی لبداشتن حیات

۱. همان، آیه‌ی ۱۲۸

۲. همان، آیه‌ی ۱۲۴

۳. همان، آیه‌ی ۱۲۴

۴. سوره‌ی نحل، آیه‌ی ۹۷

طیبه عظمت، کمال، توان، بزرگواری، لذت و شادمانی بی‌نهایتی حس می‌کند. وی خود را در در یای زندگی جاودان، نعمتی پایان‌ناپذیر، به دور از درد و ناخوشایندی و در سعادت به دور از بدبختی احساس می‌کند.^۱

۷- نیل به جایگاه صدیقان

انسان پاک مسجدی با شناخت و معرفتی که از خداوند و خود دارد، با حالت ترس و امید، روبه‌روی در مسجد می‌ایستد، آن‌گونه که امام صادق (علیه‌السلام) فرموده‌اند:

«هر گاه به در مسجد رسیدی بدان که آهنگ آستانه‌ی پادشاه بزرگی را کرده‌ای که جز پکان بر فرش او گام نمی‌نهد و جز به صدیقان اجازه‌ی همنشینی نمی‌دهد. با قدم گذاردن بر آن فرش، بزرگی پادشاه تو را می‌گیرد و متوجه می‌شوی که اگر غافل گردی، در معرض خطر بزرگی خواهی بود. پس بدان که او بر رفتار عادلانه یا بخشش و گذشت از تو تواناست؛ اگر به مهر و فضل خود ما تو رفتار کند عبادت اندک را خواهد پذیرفت و پادشاه بسیاری در مقابل آن به تو خواهد داد و اگر به عدالت با تو رفتار کند و حق خود را در صداقت و اخلاص از تو بازخواست کند، در این صورت عبادت بقا اگرچه بسیار باشد، رد و تو را از پادشاه (و دیدارش) محروم خواهد کرد و او هر چه را بخواهد می‌کند. پس، در محضر او به ناتوانی، کوتاهی، شکست و مستمندی خود اعتراف کن و دلت را از هر چه یزی که میان تو و پروردگارت مانع می‌شود ته‌ی ساز؛ زیرا او جز پاک تر و خالص تر را نمی‌پذیرد. پس، بنگر که نامت از کدام دفتر بیرون می‌آید (ثبت می‌شود)؛ اگر شیرینی مناجات و رازگویی و گفتگو با او را چشیدی و از جام مهر و کرامت‌های او نوشیدی؛ چرا که به خوبی به تو روی آورده و پاسخت را داده است. پس (بدان که) شایسته‌ی پرستش او شده‌ای؛ پس درون رو که اجازه و امان (نامه) داری و گرنه پس همچون کسری به درب مسجد بایست که هیچ چاره‌ای و دسترسی‌ای به آرزویش ندارد و مرگش فرا رسیده است؛ پس او در مقابل خداوند بسان درمانده دلسوخته‌ای است که برای رسیدن به خوشنودی خداوند کریم بر درش ایستاده،

^۱. المیزان، ج ۱۲، ص ۳۴۲.

در این صورت می‌گوید: چه کسی درمانده را پاسخ می‌گوید، آن زمان که او را فرا خواند و بدی و آسیب را دور سازد.^۱

۸- اعمال پربار

آنچه سرنوشت نهایی انسان را رقم می‌زند میزان اعمال نیک است که برای حیات ابدی خود می‌فرستد. هرچه این اعمال فزون‌تر و سنگین‌تر باشند، انسان سعادت و رضایت بیشتری خواهد داشت. قرآن کریم می‌فرماید: «فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ»^۲، پس وی در زندگی خوشی خواهد بود! و اما هر که سنجیده‌هایش سبک برآید. موفقیت نهایی انسان نیز در زندگی وابسته به سنگینی این میزان است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^۳، و در آن روز، سنجش (اعمال) درست است. پس هر کس میزان‌های (عمل) او گران باشد، آنان خود رستگاران‌اند.

میزان وزن کارهای نیک نیز همچون سایر اجسام متفاوت است. معمولاً اعمال عبادی‌ای چون ذکر، دعا، نماز، زیارت اماکن مقدس و... وزن بیشتری دارند؛ بدین معنی که عمل اندک ولی سنگینی بسیاری دارد. وزن این اعمال در مقایسه با موقعیت‌ها نیز متفاوت است. برای مثال، در اماکن عادی نماز جماعت پاداش بیشتری در مقایسه با نماز فرادا دارد، اما در مسجد موضوع برعکس است؛ یعنی نماز فرادایی که در مسجد خوانده شود ثوابش بیشتر از نماز جماعتی است که در اماکن عادی خوانده می‌شود.^۴ پاداش نماز خواندن در مساجد خاص نیز متفاوت است و میزان آن به شرافت مسجد بستگی دارد. مسجد الحرام، مسجد النبی و مساجدی که پيامبران و ائمه اطهار (علیهم‌السلام) در آن نماز گزارده‌اند بیشترین شرافت و برکت را دارند.

اعمال عبادی دیگری مانند ذکر گفتن (به ویژه صلوات)، تهلیل، تسبیح، تلاوت قرآن و... نیز باعث سنگینی میزان اعمال می‌گردند.^۵ اگر این اعمال در مسجد انجام شوند، پاداشی مضاعف خواهند داشت. اما اگر نماز خواندن در

^۱. مصباح الشریعه، ص ۱۳۱.

^۲. سوره ی قارعه، آیه ۶ و ۷.

^۳. سوره ی اعراف، آیه ۸.

^۴. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۵۱۱.

^۵. اصول کافی، ج ۲، کتاب الدعاء.

مسجد انگیزه‌ی اطاعت از ولی خدا را ایجاد نکند، نه تنها پاداش نخواهد داشت، بلکه آن نماز خود شاهدی ضد شخص خواهد بود. گواه این مدعا ماجرای سعید بن مسیب است. وی از فقهای تابعین بود و در زمان امام علی بن الحسین زین العابدین (علیه السلام) در مدینه می‌زیست. وی از امام (علیه السلام) روایتی نبوی شنیده بود درباره‌ی پاداش خواندن دو رکعت نماز در خلوت مسجد النبی. او سال‌ها در کمین این فرصت بود تا روز شهادت امام سجاد (علیه السلام) فرا رسید. همه‌ی مردم برای تشییع جنازه‌ی حضرت (علیه السلام) و نماز گزاردن بر ج‌سم شریفشان از مدینه خارج شدند و مسجد النبی کاملاً خالی از نماز گزار شد. زمان انتظار سعید بن مسیب سرآمده بود. وی که خود را در آستانه‌ی تحقق آرزوی دیرینه می‌دید، فرصت را غنیمت شمرد و به مسجد النبی رو نهاد. همان لحظه، دوستی او را از این کار باز داشت و به شرکت در نماز امام معصوم (علیه السلام) تشویق کرد، ولی سعید گفت: «من نماز خواندن در خلوت مسجد النبی را از نماز خواندن بر این مرد درستکار، در آن مکان پاک (بقع)، بیشتر دوست دارم». درست زمانی که سعید به درب مسجد رسید، صدای الله اکبر از آسمان برخاست و زمین نیز با الله اکبر پاسخ گفت. سعید بیهوش بر زمین افتاد. مردم از مراسم دفن امام سجاد (علیه السلام) فارغ شدند و به مسجد آمدند که با تن نیمه‌جان سعید روبه‌رو شدند. سپس، او را به هوش آوردند. سعید که متوجه محرومیت خود از دو فیض بزرگ شده بود، یعنی شرکت در تشییع امام (علیه السلام) و نماز خواندن در خلوت مسجد النبی، شروع به گریه‌ی حسرت‌آمیزی کرد و تا آخر عمر، که فقط چند ماه به طول انجامید، در همین حالت اسفبار ماند. او می‌گفت این همان زیان آشکار است.^۱

پداست عبادات سعید براساس معرفت حجت خدا نبوده است؛ بنابراین زمین و آسمان آن را نپسندید. به همین دلیل، ائمه‌ی اطهار (علیهم السلام) شرط قبولی اعمال نیک را معرفت به ولایت حجت خدامی دانند.^۲ در اینجا، منظور از معرفت اعتقاد قلبی و عملی به حاکمیت و ادای حق آنان است. سعید بن مسیب به وجوب دوستی با حضرت (علیه السلام) معتقد بود؛ اما به امامت و مقام خلافت الهی حضرت (علیه السلام) اعتقادی نداشت.

۹- نزدیکی به خدا

مسجد از ریشه‌ی سجده است به معنای کمال تواضع و خواری در برابر خدا. سجده نخستین هدف انسان مسجدی است؛ زیرا با این کار به بالاترین جایگاه ممکن، یعنی نزدیکی به خدا، می‌رسد. قرآن کریم می‌فرماید: «سجده کن و

^۱. جامع الرواة، ج ۱، ص ۳۶۲، سعید بن مسیب.

^۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۴۱۲.

نزدیک شو.^۱ انسان مسجدی با ترازوی عمل وزین و کارنامه‌ی درخشانش در جرگه‌ی ابراری قرار می‌گیرد که کتاب عملشان در بالاترین مرتبه است همان کتابی که مورد مشاهده و مطالعه‌ی مقربان درگاه ایزدی است.^۲

نتیجه

مسجد جایگاه عبادت خدا و رفعت و بزرگی یافتن از اوست. حضور در مسجد بخشی از هویت فرد مسلمان را تشکیل می‌دهد و مسجدی‌بودن شاخص‌ترین نماد عدالت اوست. او با این هویت احترام و شخصیت والای اجتماعی پیدا می‌کند و از احساس پوچی رها می‌شود. مسجدی با بتدد در مسجد، خدمت و رسیدگی به آن و بهرمندی از برنامه‌های عبادی و فرهنگی‌اش (نماز، اعتکاف، حج و عمره، خطبه‌های امام جماعت، آموزش‌های مذهبی و ...) فرصت خوبی می‌یابد برای تهذیب و طهارت روح و با پیگیری آموزش‌ها به رشد علمی والایی می‌رسد.

مسجد با تقویت ایمان و فراهم آوردن موقعیتی برای برترین اعمال صالح نقش بزرگی در تحقق زندگی پاک برای مسجدی ایفا می‌کند و او را به انسانی کارآمد و مایه‌ی نجات جامعه تبدیل می‌کند. از همه‌ی این‌ها بهت‌نیز، مسجد انسان را برای خلافت الهی و ولایت تکوینی و تشریعی آماده می‌کند. فرد مسجدی با رسیدن به درگاه خدا ضعف و فقر خود را درمقابل شکوه و قدرت آن صاحب جلال، به علم یقین، باور می‌کند و در صف صدیقان جای می‌گیرد.

^۱. سوره‌ی علق، آیه‌ی ۱۹

^۲. مطففین، ص ۲۱-۱۸.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن منظور، محمد، لسان العرب، محقق علی سیری، بیروت، دارالحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.
۳. اردبیلی، محمد، جامع الرواة، قم، کتابخانه آیة الله مرعشی، ۱۴۰۳ق.
۴. حر عاملی، محمد، وسائل الشیعه، دارالحیاء التراث العربی، بیروت، چ ۴، ۱۳۹۱ق.
۵. خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، قم، اسماعیلیان، چ ۳، ۱۴۰۸ق.
۶. ری شهری، محمد، حج و عمره در کتاب و سنت، دار الحدیث.
۷. سیوطی، جلال الدین، جامع صغیر، بیروت، دار الفکر، نرم افزار معجم فقهی.
۸. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، بیروت، داراضواء، چ ۶، ۱۴۰۵ق.
۹. طباطبائی، محمد حسین، المیزان، قم، اسماعیلیان، چ ۵، ۱۳۷۱ق.
۱۰. طبرسی، فضل، مجمع البیان، هاشم رسولی محلاتی و فضل الله یزدی طباطبائی، بیروت، دارالحیاء التراث العربی، ۱۴۰۶ق.
۱۱. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، نرم افزار جامع فقه اهل البیت (ع)، قم، مؤسسه ی نور.
۱۲. قمی، عباس، منتهی الامال، حسینی، ۱۳۷۰.
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تصحیح علی اکبر غفاری، بیروت، دارصعب، چ ۴، ۱۴۰۱ق.
۱۴. منسوب به امام صادق (ع)، مصباح الشریعه، نرم افزار جامع فقه اهل البیت (ع)، قم، مؤسسه ی نور.

منبع: دفتر مطالعات و پژوهشهای مرکز رسیدگی به امور مساجد